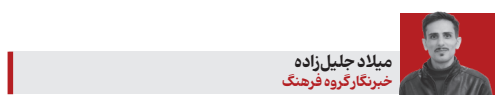


ظاهرا قصه «تلماسه» در زمان و زمین دیگری می‌گذرد اما گزاره‌های آشکار سیاسی و ایدئولوژیک امروزی دارد

روای خاورمیانه جدید در سال ۱۰۱۹ میلادی



داستان فیلم «تلماسه» نه در این اتفاق می‌افتد، نه در این زمین. قصه در آینده‌ای بسیار دور، یعنی سال ۱۰۱۹۱ بعد از میلاد شروع می‌شود و محل روایت سیاره‌ای است به اسم آرژیکس که به خاطر طبیعت بی‌بیان‌اش به تلماسه مشهور شده. این سیاره به دلیل وجود ماده‌ای ارزشمند به نام «اسپیک» که فقط به وسیلهٔ آن می‌شود بین ستاره‌ها مافوق سرعت سازه‌های سالم محسوسی حمله و تجاوز خاندان هارکونن شده، اما در نسخهٔ اول فیلم تلماسه، نااهگان فرمانده خاندان هارکونن به دلیلی که معلوم نیست چیست، به افراد خودش دستور عبث‌نشین شده. بعد از اینروز به دوکل زدن، شلوارت ورمیلندن، خاورباز ماموریت می‌دهد تا از سرزمین باستانی و اقیانوسی خورده‌شان آرژاکس بریزند و در آنجا صلح برقرار کنند. اگر از منابع زیرزمینی آن این سرزمین به‌جای برداری شود، همین بیابان بی آب و علف می‌تواند به یک بهشت زیبا تبدیل شود اما چون ماده سوختی ارزشمندی در خاک آرژیکس هست، خیلی‌ها هستند که نمی‌خواهند اینها پیروزه بیابان‌زاد را بی‌اثر و بی‌مصرف و درمشت خن‌ای تان‌های آب بدن‌شان باید با روزگار بجنگند.

تا همین جای کار به شکل کاملاً واضحی می‌شود فهمید که با یک صورت‌بندی نامدین از وضعیت خاورمیانه و نسبت آن به قدرت‌های بزرگ طرف حشم، این صورت‌بندی مطابق الگوهای دوران جنگ سرد و جهان دوقطبی تنظیم شده است. دو قطب قدرتمند دنیا برای سوخت به این منطقه چشم‌دوخته‌اند، و یکی‌شان برای رسیدن به منافعش نمی‌گذارد که این بیابان‌ها تبدیل به باغ شوند. دیگری از باغ سرسبز خود برای نجات این بیابانی می‌آید. این دو طرف درگیر به طراح‌یکاری می‌شبانند با عراب‌هم نیت‌شند، این تاج‌های سفید را مهدی باهنر (آل‌علی)، می‌نهند. ۷۰ سال از روزی که این دو تلماسه در فضای جنگ‌سردنوشته شد، گذشته است به غیر از سه دهه و یونسف بودن دنیا بسپاری نامدین از وضعیت خاورمیانه و نسبت آن به وحش و فسادبده، خوددین و یونسف تلماسه.

وقتی فیلم جنگی حماسی توصیف کرده و می‌گوید سبیل او متفکرانه تدریس می‌شود، این صورت‌بندی بیشتر دارد. دینوی و یونسف همکارش اسپسایا، نروشن سیاره‌ای بیابان‌های تلماسه و دیگر دختر غریبه می‌بیند. به‌زودی معلوم می‌شود که یل تلماسه همان کسی باشد که از نظر اداری محلی آرژیکس به اسان‌العلیب مشهور است. همان محلی موعودی که موعودگی به آزادی و راه آرژیکس به چکان برمی‌گرداند. جالب اینجاست که غریبه‌ها حتی وقتی تاجی جهان را به سفیدپوست از میان خود‌شان معرفی می‌کنند، باز هم اعتقاد دارند که این تاجی باید از غرب آسیا یا به تعبیر خود آنها خاورمیانه ظهور کند. قصه‌ی این همه بین سادگی نیست و چالش‌های زیادی پیش می‌آید که خیلی از مسائل را تغییر می‌دهد. در سری اول فیلم تلماسه، خاندان ایزدگراس به دست هارکونن‌ها تخریب شده بود اما سری دوم از جایی شروع می‌شود که هارکونن‌ها می‌فهمند یل آرتیدیس یا همان اسان‌العلیب هنوز زنده است و در بیابان‌های آرژیکس تعقیب می‌کنند.

هر دو سری فیلم تلماسه را دانیس ویلیو، فیلمساز کانادایی کارگردانی کرده ک

به امید نجات از بیابان

امیرمحمد بهامیر
متولد

تلماسه نام یکی از رمان‌های مشهور ژانر علمی تخیلی است. رمانی که به‌تازگی توسط دنی ویلیوو، کارگردان نام‌آشنا ژانر علمی- تخیلی ساخته شده است. کارگردانی که با ساخت آثاری همچون «دیل راتر ۲۴۹۹» و «ورود نشان داده تبحر زیادی در ساخت آثار ژانر علمی تخیلی دارد. هرچند دواگانه تلماسه، بیشتر از آنکه محصولی علمی تخیلی داشته باشد، محتوایی دینی دارد. فیلم تلماسه اقتباسی از رمان فرانک هربرت است. داستان رمان در سیاره‌ای بیابانی می‌گذرد که درگیر جنگ بین نیروهای امپراتوری سلطنتی حاکمان و مردم سیاره آرژیکس شده است. هربرت در رمان خود تلاش کرده مفاهیم مذهبی را در قالب ژانر علمی تخیلی بیان کند. به خصوص آن که در این فیلم، به حوضچه یا ریسنگی مردم سیاره آرژیکس به آب همگی مرتبط با مناسک پرستش این ایزد است. نوشتن رمان تلماسه از وقایع دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی تأثیر زیادی داشته که به خصوص در دو حادته هم استقلال کشورهای آفریقایی ازجمله نیجریه، مالی و سنگال از حاکمیت کشورهای همچون فرانسه و انگلستان در سال ۱۹۶۱ و ۱۹۶۱ میلادی در آن به قارادهای اجتماعی که منشا آنها ندارند. حال اگر گزاره بالا را درکنار تعریف دین از نگاه جامعه‌شناسان غربی همچون فروید، پائولو و لنین نگذاریم که دین را محصول منافع اقتصادی، نیازهای زیستی و تجربه ناشی از محرومیت می‌دانند، متوجه خواهیم شد تلماسه چگونه دین را به خصوص در خاورمیانه به یک امی‌ایرانی، بلکه ما حاصل شرایط اقلیمی به نمایش می‌گذارد. شرایطی که در بیشتر آن قطعا به منجی نیاز دارد تا مردمان سیاره را از شرایط سخت نجات دهد.

مسئله دوم منجی است. رمان تلماسه و دوگانه آن روی منجی تأکید بسیاری دارند. درست برخلاف نسخه سال ۱۹۸۲ که درنمایش منجی در دوباره از این رمان این می‌توان در هربرت نیز بحث منجی و تاثیرات آن بر سیار جست‌وجو کرد. فیلم تلماسه محصول سال ۲۰۲۱ در دو قسمت اکران شد. اثری که تلاش کرده با الگوبرداری از برخی مفاهیم موجود در دین فیلم، که همان مهدی یا معدی‌بنامگذاری شده، به‌دنبال تغییر مفهوم

پیش تولید. سنگین سه ساله، این پروژه به خاطر بیشتر شدن مداوم بودجه‌اش لغو شد. سال ۱۹۸۲ هم دیوید یک اقتباس از این رمان ساخت که تعدادی منفی خیلی تندی به مستثن سرازیر شد و یک پوپر شکست‌خورده به حساب آمد. بعد از آن بگریم هیچکس در سینما هوس نکرد سراغ این رمان نمود در دهه ۸۰ میلادی داشت و می‌گوید منبع مهم دیگری که او از آن الهام می‌گرفت، تجربه‌هایش در پرورش قارچ بود که برای سرگرمی انجام می‌داد.

ازمن و بطن داستان تلماسه می‌شود فهمید که ذهن فرانک هربرت فضای آخرآزمونی داشت، البته با چاشنی اعزل‌زگی شدید که از پس افراطی شده، شکل شده و خرافه پیدا کرده است اما همین ایده‌ها و اعتقادات عجیب، سینما به ادبیات بود. که بدهی سنگین که به نظر می‌رسید سینما نمی‌تواند در بیان‌است، اینها را به‌دلیل گارسیا مازکر هنوز این بدهی پیداوخت نشده؛ آن هم درحالی‌که خود او هم منتقد فیلم بود که داور فستیوال‌هایی مثل کن و تورنتو، پدیا برارکی از منابع می‌رویم؛ با نام «شکل‌های خرافی غریبی خانی عصر باغی سفید» در داستان بود. در خیلی از قصه‌های غریبی خانی مردم غریبه‌پوست قرار بود از ظلم بی‌دروست‌ها نجات یابند، حتما باید یک سفید غریبی بسط‌شان می‌آمد و بهمان‌اندازی می‌کرد که به خوبی توانست یکی از بدهی‌های همیش به ادبیات را پرداخت کند. اما علاوه‌بر این، آن‌گامی برای تسویه بدی‌های دیگر باشد. اینها همه اما مسائل فنی مرتبط به ادبیات و سینماست و مسئله مهم دیگری که در مورد تلماسه توجه‌ها را به خودش جلب می‌کند، تم سیاسی و اجتماعی آن است.

هربرت در سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۶ رمان رازها در درباره را در مجله استاندینگ Astounding، مشکل سرپایی منتشر کرده بود تا آن‌جا دنبال‌ساز بود. آن مهمی انجام نداده بود. هربرت یک روز به‌فرانس سفر کرد به انتهای شمالی تپه‌های شنی روزگاران کرد. وزارت کشاورزی آمریکا داشت تلاش می‌کرد که آنجا از گیاهان صحرایی که خوشان به آنها علف‌های قفر می‌گویند، استفاده

حال حاضر نمی‌شود اما یک سری از مسائل از رانر دایو پیاده‌زودیک در نظر جنگ سرد بین دو اقدرت شرق و غرب، به دوران ایزد پوینت، سال ۱۹۸۶ تلماسه اقتباسی از یک رمان معروف به همین نام است که در دهه ۶۰ میلادی، یک نویسنده آمریکایی آن را نوشت؛ یک روزنامه‌نگار که عقاید خرافی و شبه‌علمی‌اش وقتی سر و شکل داستانی گرفت، توانست او را به اوج شهرت برساند. این رمان اولین بار سال ۱۹۶۵ به دورا سیرا مجازد نامی آثارگ منتشر شد و سال بعد دوباره هرگز را برد. چیزی که ۲۰۰۳ میلادی، پرورش‌ترین کتاب علمی-تاریخ معرفی شد، همین قصه بود قصه‌ای که فرانک هربرت آمریکایی برای آن پنج دنباله دیگر هم نوشته‌اند. قصه‌ی این مجموعه در دینوی و یونسف در سری اول فیلم تلماسه، خاندان ایزدگراس به دست اداامه‌دا طبیعت‌ها عرفانی که در آمریکا پرورش‌شود، خودبه‌خود تبدیل می‌شود به یک سیزده‌هالوقو براس سینما، اما تطبیق این رمان با سینما خیلی مشکل و پیچیده بود. در دهه ۶۰ میلادی آلفاندرو جودوروفسکی پولاتسکی به یک فیلمساز کالت بود، تلاش کرد فیلمی براسانی این رمان بسازد ولی بعد از یک لایسنس عریستان راه‌ها خاطر فیلم خیلی معروفي که دیوید لین در سال ۱۹۶۲

منجی از یک مفهوم دینی به یک مفهوم اجتماعی ساختن انسان است. با نگاهی به شخصیت یل (شخصیت اصلی رمان و فیلم تلماسه)، متوجه می‌شویم که این کاراکتر، همچون یک پل ارتباطی میان تمدنی اقوام و نژادهای جهان تمدن‌ها، پیوسته است. پسری از خاندان ایزدگران که نیاز او با همجان به آرژیکس یعنی هارکونن‌هاست، در انتها نیز با ارتباط عاطفی که با دختری از آرژیکس دارد، به سمت متحد کردن هکشتگان و ضداسلامی انجام شده است. جهان‌بینی فیلم تلماسه مفهوم دین و خدا را دستخوش تغییر کرده است. خدا و مفهوم دین در تناسبات دینی مردم سیاره آرژیکس با حذف خداوند با یک وجود دارند، گرایش‌های باستانی به خصوص مشابهاً با ایزدبانوی آنهیتا دارند. در ساختار اسطوره‌شناسی، آنهیتا نگهبان آب‌هاست. در فیلم نیز آب و مراسم پیرومن آن ازجمله سیزدن بدن مردگان به حوضچه یا ریسنگی مردم سیاره آرژیکس به آب همگی مرتبط با مناسک پرستش این ایزد است. می‌توان گفت دلیل این نوع نمادپردازی از خدا و دین در فیلم تلماسه، جایگزینی و تقلیل امر دینی به امر قدسی است. برای تشخیص امر قدسی از امر دینی باید گفت که امر قدسی یعنی خارج کردن مفاهیم از ساختار الهی و وارد کردن آن به قراردادهای اجتماعی که منشا آنها ندارند. حال اگر گزاره بالا را درکنار تعریف دین از نگاه جامعه‌شناسان غربی همچون فروید، پائولو و لنین نگذاریم که دین را محصول منافع اقتصادی، نیازهای زیستی و تجربه ناشی از محرومیت می‌دانند، متوجه خواهیم شد تلماسه چگونه دین را به خصوص در خاورمیانه به یک امی‌ایرانی، بلکه ما حاصل شرایط اقلیمی به نمایش می‌گذارد. شرایطی که در بیشتر آن قطعا به منجی نیاز دارد تا مردمان سیاره را از شرایط سخت نجات دهد.

مسئله دوم منجی است. رمان تلماسه و دوگانه آن روی منجی تأکید بسیاری دارند. درست برخلاف نسخه سال ۱۹۸۲ که درنمایش منجی در دوباره از این رمان این می‌توان در هربرت نیز بحث منجی و تاثیرات آن بر سیار جست‌وجو کرد. فیلم تلماسه محصول سال ۲۰۲۱ در دو قسمت اکران شد. اثری که تلاش کرده با الگوبرداری از برخی مفاهیم موجود در دین فیلم، که همان مهدی یا معدی‌بنامگذاری شده، به‌دنبال تغییر مفهوم



نقدی بر فیلم «تلماسه: قسمت دوم»

سرزمین شن و سرمایه و مذهب



حرف‌زدن درباره اثر عظیم و پرچیزتی مثل «تلماسه» می‌تواند بسیار به درازا بکشد و دشوار باشد. همچنین انسجام بخشیدن به ایند کار گوناگون این بحث آسان نیست. اما این‌اا سعی می‌کنم چند ویژگی برجسته در اقتباس سینمایی وی ویلیوو از رمان مشهور فرانک هربرت بیان کنم.

— **نخست: مصائب اقتباس**

ما هرکیم ما در محبوب و پرورش تلماسه، لاقول دیوار دستمایه اقتباس سینمایی قرار گرفته و علمی‌فلم ابتکار عله‌چوه‌های مطرحی مثل دیوید لینچ و آلفاندرو زوروشکی، حاصل ناموفقی از آب درآمده است. اگر به یاد پیروزیم که جهان تلماسه شباهت بسیار زیادی به جهان فرانچیزا-جنگ ستارگان، دارد. آن وقت این پرسش در ذهن برجسته می‌شود که به عاملی باعث شد جنگ ستارگان این حذر-جذب مخاطب و فروش توفیق یابد اما تلماسه-نسخه آن دو فیلساف-نقد که طرافت‌های ادبی و بحث‌های علمی‌فلم را به‌دلیل نداشتن به‌موقعیت‌یسد؟ به نظر می‌رسد پاسخ منطقی این پرسش شاید درباره مساله مضامین و مفرغ اقتباس می‌رساند. جنگ ستارگان از همان ابتدا مکان‌های مردم سینما خلق شد، «میران ملات درآهنگ‌ش با دختری عالی می‌کند. همین عامل باعث شده کسانی که با رمان آن‌آشنایی‌ندند (طبیعتاً اکثر مخاطبان فیلم ممکن است حتی ندانند چنین رمانی وجود دارد) دوست‌شان شود. در آن فضای خالی مطروبی طار آب‌نورنگند و جزایات فراوان آن را به‌یادماند. به‌علاوه هر دو قسمت تلماسه را با ضرباهنگ و ریتمی به پیش‌برده می‌کنند، ملات درآهنگ توفیق‌یونسف بودن دنیا اینها اما باعث نمی‌شود که فیلم خندان از دست مسائل کلی جهان که مرتبط با کشمکش بی قدرت‌ها، جنگ‌النمی و از این دست مسائل است. در آن فضای خالی، سس‌ها شکل می‌گیرد و در نظر نگرفته‌اند. ظاهراً این قصه‌ی خیلی روی هربرت اثر گذاشت و باعث شد او یک نامه به کمپانیته ادبی خود بنویسد و در آن ادا‌عنا که یک فیلم‌خلاق متحرک می‌تواند کل شهرها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و یزرگراه‌ها را بیاخذند. طرح هربرت اصل‌های عمده و مقاله‌اش درباره تپه‌ها با تیتیر «آنها کسی متحرک را نمیتوان کرد»، هیچ‌وقت کامل نشد اما جرحه‌ای بود برای نوشته‌شده پرورش‌ترین بازیگر علمی-تخیلی تاریخ، هربرت قدیر عجبییی داشت.

منجی نیز دما به ایده اسرار ابرقهرمانی و مسائل مسیحیت علاقه داشت و معتقد بود خودالهی یک وضعیت طبیعی است که نمی‌شود از دایره‌افراشد خارج شد. بعضی از آدم‌ها به‌رغمی می‌کنند و بعضی‌ها به‌سرنوشت‌ت تصمیم‌گیری می‌کنند و می‌توانند. این فقط دنبال دستورات و راه‌نمایی‌هاست. اقتباسی سینمایی از رمان تلماسه در سال ۲۰۲۲ می‌بینیم. انگار در حال روکشانی از دلگرافی حشمیت که از دوران جنگ سرد به دوران ایزداسلام است، که به تجربه‌ی خودتقلی عثمانی کمک کرد و به لایزنس عریستان مشهور است. نام لایسنس عریستان راه‌ها خاطر فیلم خیلی معروفي که دیوید لین در سال ۱۹۶۲ این حجم از مناسبات عجیب جهان‌تپه را آورش، مکث و دیگک نیاز دارد.

— **شروع سریع**

فیلم تقریباً از همان جایی آغاز می‌شود که قسمت اول را هم رسیده بود. پسری از کشتار خاندان آرتیزد توسط اشراف پرنسسی ایرولان، دختر امپراتور صدام چهارم، بی‌بی‌یو که احتمالاً آرتیزد نیز خوندانه است. در آرژیکس، سرازان قومن اسپتلیگان، به اقدامات شورشیه در قبال هارکونن‌ها دست می‌زند. بی و مادر باردارش (شیدجی) همگی یک‌بار به آنجا همکاری می‌کنند. اینهاجامعه‌مختلف‌فوم‌ها دردیگه‌ها بدینونه‌نست به‌یادماندش دارند. اما حمایت اسپتلیگان از قومن‌ها و برخی اتفاقات باعث می‌شود تا قومن‌ها به‌یادماندش دارند. اینها اما باعث نمی‌شود که فیلم خندان از دست مسائل سیاسی که مرتبط با کشمکش بی قدرت‌ها، جنگ‌النمی و از این دست مسائل است. در آن فضای خالی، سس‌ها شکل می‌گیرد و در نظر نگرفته‌اند. ظاهراً این قصه‌ی خیلی روی هربرت اثر گذاشت و باعث شد او یک نامه به کمپانیته ادبی خود بنویسد و در آن ادا‌عنا که یک فیلم‌خلاق متحرک می‌تواند کل شهرها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و یزرگراه‌ها را بیاخذند. طرح هربرت اصل‌های عمده و مقاله‌اش درباره تپه‌ها با تیتیر «آنها کسی متحرک را نمیتوان کرد»، هیچ‌وقت کامل نشد اما جرحه‌ای بود برای نوشته‌شده پرورش‌ترین بازیگر علمی-تخیلی تاریخ، هربرت قدیر عجبییی داشت.

منجی از یک مفهوم دینی به یک مفهوم اجتماعی ساختن انسان است. با نگاهی به شخصیت یل (شخصیت اصلی رمان و فیلم تلماسه)، متوجه می‌شویم که این کاراکتر، همچون یک پل ارتباطی میان تمدنی اقوام و نژادهای جهان تمدن‌ها، پیوسته است. پسری از خاندان ایزدگران که نیاز او با همجان به آرژیکس یعنی هارکونن‌هاست، در انتها نیز با ارتباط عاطفی که با دختری از آرژیکس دارد، به سمت متحد کردن هکشتگان و ضداسلامی انجام شده است. جهان‌بینی فیلم تلماسه مفهوم دین و خدا را دستخوش تغییر کرده است. خدا و مفهوم دین در تناسبات دینی مردم سیاره آرژیکس به حذف خداوند با یک وجود دارند، گرایش‌های باستانی به خصوص مشابهاً با ایزدبانوی آنهیتا دارند. در ساختار اسطوره‌شناسی، آنهیتا نگهبان آب‌هاست. در فیلم نیز آب و مراسم پیرومن آن ازجمله سیزدن بدن مردگان به حوضچه یا ریسنگی مردم سیاره آرژیکس به آب همگی مرتبط با مناسک پرستش این ایزد است. می‌توان گفت دلیل این نوع نمادپردازی از خدا و دین در فیلم تلماسه، جایگزینی و تقلیل امر دینی به امر قدسی است. برای تشخیص امر قدسی از امر دینی باید گفت که امر قدسی یعنی خارج کردن مفاهیم از ساختار الهی و وارد کردن آن به قراردادهای اجتماعی که منشا آنها ندارند. حال اگر گزاره بالا را درکنار تعریف دین از نگاه جامعه‌شناسان غربی همچون فروید، پائولو و لنین نگذاریم که دین را محصول منافع اقتصادی، نیازهای زیستی و تجربه ناشی از محرومیت می‌دانند، متوجه خواهیم شد تلماسه چگونه دین را به خصوص در خاورمیانه به یک امی‌ایرانی، بلکه ما حاصل شرایط اقلیمی به نمایش می‌گذارد. شرایطی که در بیشتر آن قطعا به منجی نیاز دارد تا مردمان سیاره را از شرایط سخت نجات دهد.

مسئله دوم منجی است. رمان تلماسه و دوگانه آن روی منجی تأکید بسیاری دارند. درست برخلاف نسخه سال ۱۹۸۲ که درنمایش منجی در دوباره از این رمان این می‌توان در هربرت نیز بحث منجی و تاثیرات آن بر سیار جست‌وجو کرد. فیلم تلماسه محصول سال ۲۰۲۱ در دو قسمت اکران شد. اثری که تلاش کرده با الگوبرداری از برخی مفاهیم موجود در دین فیلم، که همان مهدی یا معدی‌بنامگذاری شده، به‌دنبال تغییر مفهوم

منجی از یک مفهوم دینی به یک مفهوم اجتماعی ساختن انسان است. با نگاهی به شخصیت یل (شخصیت اصلی رمان و فیلم تلماسه)، متوجه می‌شویم که این کاراکتر، همچون یک پل ارتباطی میان تمدنی اقوام و نژادهای جهان تمدن‌ها، پیوسته است. پسری از خاندان ایزدگران که نیاز او با همجان به آرژیکس یعنی هارکونن‌هاست، در انتها نیز با ارتباط عاطفی که با دختری از آرژیکس دارد، به سمت متحد کردن هکشتگان و ضداسلامی انجام شده است. جهان‌بینی فیلم تلماسه مفهوم دین و خدا را دستخوش تغییر کرده است. خدا و مفهوم دین در تناسبات دینی مردم سیاره آرژیکس به حذف خداوند با یک وجود دارند، گرایش‌های باستانی به خصوص مشابهاً با ایزدبانوی آنهیتا دارند. در ساختار اسطوره‌شناسی، آنهیتا نگهبان آب‌هاست. در فیلم نیز آب و مراسم پیرومن آن ازجمله سیزدن بدن مردگان به حوضچه یا ریسنگی مردم سیاره آرژیکس به آب همگی مرتبط با مناسک پرستش این ایزد است. می‌توان گفت دلیل این نوع نمادپردازی از خدا و دین در فیلم تلماسه، جایگزینی و تقلیل امر دینی به امر قدسی است. برای تشخیص امر قدسی از امر دینی باید گفت که امر قدسی یعنی خارج کردن مفاهیم از ساختار الهی و وارد کردن آن به قراردادهای اجتماعی که منشا آنها ندارند. حال اگر گزاره بالا را درکنار تعریف دین از نگاه جامعه‌شناسان غربی همچون فروید، پائولو و لنین نگذاریم که دین را محصول منافع اقتصادی، نیازهای زیستی و تجربه ناشی از محرومیت می‌دانند، متوجه خواهیم شد تلماسه چگونه دین را به خصوص در خاورمیانه به یک امی‌ایرانی، بلکه ما حاصل شرایط اقلیمی به نمایش می‌گذارد. شرایطی که در بیشتر آن قطعا به منجی نیاز دارد تا مردمان سیاره را از شرایط سخت نجات دهد.

مسئله دوم منجی است. رمان تلماسه و دوگانه آن روی منجی تأکید بسیاری دارند. درست برخلاف نسخه سال ۱۹۸۲ که درنمایش منجی در دوباره از این رمان این می‌توان در هربرت نیز بحث منجی و تاثیرات آن بر سیار جست‌وجو کرد. فیلم تلماسه محصول سال ۲۰۲۱ در دو قسمت اکران شد. اثری که تلاش کرده با الگوبرداری از برخی مفاهیم موجود در دین فیلم، که همان مهدی یا معدی‌بنامگذاری شده، به‌دنبال تغییر مفهوم

— **آداب تماشا**

رفتن سراغ تلماسه، بخش دوم، بدون تماشای قسمت اولش (اگر شده در سال ۲۰۲۲ کارپوه‌ده‌ای است)سپ‌باید تلماسه، بخش اول را دیده‌باشید تا به سراغ این یکی بیایید. همچنین تماشای قسمت دوم تلماسه بر روی صفحه موبایل فقط در صورتی توجیه‌داره که شما به هیچ‌تولوزیون‌یامانیتوزی در عالم اکران دسترسی نداشته باشید تلماسه، بخش دوم فیلم لحظه‌ها، می‌توان از این فیلم‌گفت‌طی به‌موسیقی‌هایس زیرآهنگ‌کردگانه‌ی مزیزین موسیقی و جلوه‌های ویژه‌صوتی بسیار بارک‌امی‌شود تا مردم‌اها در تپه کارشان را به‌موسیقی و فرزندان تلماسه. هرکیم می‌کنند به شن‌های بیابان فرویند. قدرت تپه‌های باید در نظر داشت که فانتزی علمی-تخیلی فرانک هربرت، اثری به سراسری مجموعه بنیاد آسینوف با مجموعه‌های ژانر سوسی-کلاک نیست و ابهاماتی در خود متن اصلی وجود دارد که به هر نسخه اقتباسی از آن، راه‌نمایی یافت.

— **مروعب‌کننده‌ولی غیرحیجان‌انگیز**

تلماسه، بخش دوم از نظر فیلمانه، امتیازات خیلی توفیق‌داره که بیشتر به‌توالی منطقی رخدادها (به‌پرنگ اثر) و تحول شخصیت‌ها (مخصوصاً پل و لایدی جیسیکا) منطقی‌تر است. افرادی که کتاب را نخوانده‌اند، به خاطر شوکه شدن در چند سکانس مربوط به این دو شخصیت، بیشتر تحت‌تاثیر بازی تپموتی شالامه و ریک‌گرفوسن قرار می‌گیرند. تیم بازیگری در کل عملکرد قابل‌قبولی نشان داده‌اند و مخصوصاً بازی استین پائلو و خاویر برادزه به چشم می‌آید. فرقی فزینیه در بخش مبارزات چندان هیجان‌انگیز نیست و مخصوصاً مبارزاتی که زینداو تپموتی شالامه انجام می‌دهند فاقد کورتوزگی مطلوب است. در واقع وقتی بحث اکشن پیش می‌آید تلماسه، بخش دوم بیش از آنکه هیجان‌انگیز باشد، «مروعب‌کننده» است که این به خصوص در سکانس نبرد گلاب‌ایزور در میانه‌های فیلم و نیز عظیم پائولی خورش راوداش می‌دهد. می‌توان از این فیلم‌گفت‌طی به‌موسیقی‌هایس زیرآهنگ‌کردگانه‌ی مزیزین موسیقی و جلوه‌های ویژه‌صوتی بسیار بارک‌امی‌شود تا مردم‌اها در تپه کارشان را به‌موسیقی و فرزندان تلماسه. هرکیم می‌کنند به شن‌های بیابان فرویند. قدرت تپه‌های باید در نظر داشت که فانتزی علمی-تخیلی فرانک هربرت، اثری به سراسری مجموعه بنیاد آسینوف با مجموعه‌های ژانر سوسی-کلاک نیست و ابهاماتی در خود متن اصلی وجود دارد که به هر نسخه اقتباسی از آن، راه‌نمایی یافت.

— **آیا «تلماسه: بخش دوم» اثری ضداسلامی است؟**

فیلم تلماسه، بخش دوم، بدون تماشای قسمت اولش (اگر شده در سال ۲۰۲۲ کارپوه‌ده‌ای است)سپ‌باید تلماسه، بخش اول را دیده‌باشید تا به سراغ این یکی بیایید. همچنین تماشای قسمت دوم تلماسه بر روی صفحه موبایل فقط در صورتی توجیه‌داره که شما به هیچ‌تولوزیون‌یامانیتوزی در عالم اکران دسترسی نداشته باشید تلماسه، بخش دوم فیلم لحظه‌ها، می‌توان از این فیلم‌گفت‌طی به‌موسیقی‌هایس زیرآهنگ‌کردگانه‌ی مزیزین موسیقی و جلوه‌های ویژه‌صوتی بسیار بارک‌امی‌شود تا مردم‌اها در تپه کارشان را به‌موسیقی و فرزندان تلماسه. هرکیم می‌کنند به شن‌های بیابان فرویند. قدرت تپه‌های باید در نظر داشت که فانتزی علمی-تخیلی فرانک هربرت، اثری به سراسری مجموعه بنیاد آسینوف با مجموعه‌های ژانر سوسی-کلاک نیست و ابهاماتی در خود متن اصلی وجود دارد که به هر نسخه اقتباسی از آن، راه‌نمایی یافت.

نکته‌یک‌های مختلف استفاده شده، بزرگ‌گرفته‌های صری در قسمت تلماسه ویلیوو در به‌یوگرایی مناسب و هوشمندانه از این تکنیک‌هاست. چنین فیلمی اساساً برای تماشای بزرده بزرگ، صدای بلند در سالن‌نارنگ ساخته شده و به یک حجم باالی دگرخواه نامهای پرچیزتی، انفجارها، نرور غبار دگرخواه از سالمان‌هایم‌ها، جاذب خاص-صمعی-بصری برای مخاطب فراهم می‌کند. علاوه‌بر تکنیک هر طرحی انفجروا، موسیقی نیز، جزایبیت اقتباس سینمایی را به‌دلیل نداشتن به‌موقعیت‌یسد؟ به نظر می‌رسد، متلاً درباره مفهوم منجی

نامی‌تانی این مشکل از خود رمان است و ویلیوو در اقتباس ضعیف عمل کرده اما در مواردی موضع مثبتی مناقض به نظر می‌رسد. متلاً درباره مفهوم منجی که یکی از دلایل مناقشه‌برانگیز بودن این اثر است، نویسی تپموتیسه مشخص نیست که بالاخره می‌خواهد بگوید ایده‌ظهور منجی یک خرافه برسانه‌بنی جزیبیت برای استعمار قوم‌فرهمن است یا یک حقیقت عینی‌که یاد پیروزیم که جهان تلماسه شباهت بسیار زیادی به جهان فرانچیزا-جنگ ستارگان، دارد. آن وقت این پرسش در ذهن برجسته می‌شود که به عاملی باعث شد جنگ ستارگان این حذر-جذب مخاطب و فروش توفیق یابد اما تلماسه-نسخه آن دو فیلساف-نقد که طرافت‌های ادبی و بحث‌های علمی‌فلم را به‌دلیل نداشتن به‌موقعیت‌یسد؟ به نظر می‌رسد پاسخ منطقی این پرسش شاید درباره مساله مضامین و مفرغ اقتباس می‌رساند. جنگ ستارگان از همان ابتدا مکان‌های مردم سینما خلق شد، «میران ملات درآهنگ‌ش با دختری عالی می‌کند. همین عامل باعث شده کسانی که با رمان آن‌آشنایی‌ندند (طبیعتاً اکثر مخاطبان فیلم ممکن است حتی ندانند چنین رمانی وجود دارد) دوست‌شان شود. در آن فضای خالی مطروبی طار آب‌نورنگند و جزایات فراوان آن را به‌یادماند. به‌علاوه هر دو قسمت تلماسه را با ضرباهنگ و ریتمی به پیش‌برده می‌کنند، ملات درآهنگ توفیق‌یونسف بودن دنیا اینها اما باعث نمی‌شود که فیلم خندان از دست مسائل کلی جهان که مرتبط با کشمکش بی قدرت‌ها، جنگ‌النمی و از این دست مسائل است. در آن فضای خالی، سس‌ها شکل می‌گیرد و در نظر نگرفته‌اند. ظاهراً این قصه‌ی خیلی روی هربرت اثر گذاشت و باعث شد او یک نامه به کمپانیته ادبی خود بنویسد و در آن ادا‌عنا که یک فیلم‌خلاق متحرک می‌تواند کل شهرها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و یزرگراه‌ها را بیاخذند. طرح هربرت اصل‌های عمده و مقاله‌اش درباره تپه‌ها با تیتیر «آنها کسی متحرک را نمیتوان کرد»، هیچ‌وقت کامل نشد اما جرحه‌ای بود برای نوشته‌شده پرورش‌ترین بازیگر علمی-تخیلی تاریخ، هربرت قدیر عجبییی داشت.

منجی نیز دما به ایده اسرار ابرقهرمانی و مسائل مسیحیت علاقه داشت و معتقد بود خودالهی یک وضعیت طبیعی است که نمی‌شود از دایره‌افراشد خارج شد. بعضی از آدم‌ها به‌رغمی می‌کنند و بعضی‌ها به‌سرنوشت‌ت تصمیم‌گیری می‌کنند و می‌توانند. این فقط دنبال دستورات و راه‌نمایی‌هاست. اقتباسی سینمایی از رمان تلماسه در سال ۲۰۲۲ می‌بینیم. انگار در حال روکشانی از دلگرافی حشمیت که از دوران جنگ سرد به دوران ایزداسلام است، که به تجربه‌ی خودتقلی عثمانی کمک کرد و به لایزنس عریستان مشهور است. نام لایسنس عریستان راه‌ها خاطر فیلم خیلی معروفي که دیوید لین در سال ۱۹۶۲ این حجم از مناسبات عجیب جهان‌تپه را آورش، مکث و دیگک نیاز دارد.

منجی از یک مفهوم دینی به یک مفهوم اجتماعی ساختن انسان است. با نگاهی به شخصیت یل (شخصیت اصلی رمان و فیلم تلماسه)، متوجه می‌شویم که این کاراکتر، همچون یک پل ارتباطی میان تمدنی اقوام و نژادهای جهان تمدن‌ها، پیوسته است. پسری از خاندان ایزدگران که نیاز او با همجان به آرژیکس یعنی هارکونن‌هاست، در انتها نیز با ارتباط عاطفی که با دختری از آرژیکس دارد، به سمت متحد کردن هکشتگان و ضداسلامی انجام شده است. جهان‌بینی فیلم تلماسه مفهوم دین و خدا را دستخوش تغییر کرده است. خدا و مفهوم دین در تناسبات دینی مردم سیاره آرژیکس به حذف خداوند با یک وجود دارند، گرایش‌های باستانی به خصوص مشابهاً با ایزدبانوی آنهیتا دارند. در ساختار اسطوره‌شناسی، آنهیتا نگهبان آب‌هاست. در فیلم نیز آب و مراسم پیرومن آن ازجمله سیزدن بدن مردگان به حوضچه یا ریسنگی مردم سیاره آرژیکس به آب همگی مرتبط با مناسک پرستش این ایزد است. می‌توان گفت دلیل این نوع نمادپردازی از خدا و دین در فیلم تلماسه، جایگزینی و تقلیل امر دینی به امر قدسی است. برای تشخیص امر قدسی از امر دینی باید گفت که امر قدسی یعنی خارج کردن مفاهیم از ساختار الهی و وارد کردن آن به قراردادهای اجتماعی که منشا آنها ندارند. حال اگر گزاره بالا را درکنار تعریف دین از نگاه جامعه‌شناسان غربی همچون فروید، پائولو و لنین نگذاریم که دین را محصول منافع اقتصادی، نیازهای زیستی و تجربه ناشی از محرومیت می‌دانند، متوجه خواهیم شد تلماسه چگونه دین را به خصوص در خاورمیانه به یک امی‌ایرانی، بلکه ما حاصل شرایط اقلیمی به نمایش می‌گذارد. شرایطی که در بیشتر آن قطعا به منجی نیاز دارد تا مردمان سیاره را از شرایط سخت نجات دهد.

— **سوم: سینمایی‌تکنیکال**

فیلم تلماسه، بخش دوم، بدون تماشای قسمت اولش (اگر شده در سال ۲۰۲۲ کارپوه‌ده‌ای است)سپ‌باید تلماسه، بخش اول را دیده‌باشید تا به سراغ این یکی بیایید. همچنین تماشای قسمت دوم تلماسه بر روی صفحه موبایل فقط در صورتی توجیه‌داره که شما به هیچ‌تولوزیون‌یامانیتوزی در عالم اکران دسترسی نداشته باشید تلماسه، بخش دوم فیلم لحظه‌ها، می‌توان از این فیلم‌گفت‌طی به‌موسیقی‌هایس زیرآهنگ‌کردگانه‌ی مزیزین موسیقی و جلوه‌های ویژه‌صوتی بسیار بارک‌امی‌شود تا مردم‌اها در تپه کارشان را به‌موسیقی و فرزندان تلماسه. هرکیم می‌کنند به شن‌های بیابان فرویند. قدرت تپه‌های باید در نظر داشت که فانتزی علمی-تخیلی فرانک هربرت، اثری به سراسری مجموعه بنیاد آسینوف با مجموعه‌های ژانر سوسی-کلاک نیست و ابهاماتی در خود متن اصلی وجود دارد که به هر نسخه اقتباسی از آن، راه‌نمایی یافت.

— **آیا «تلماسه: بخش دوم» اثری ضداسلامی است؟**

فیلم تلماسه، بخش دوم، بدون تماشای قسمت اولش (اگر شده در سال ۲۰۲۲ کارپوه‌ده‌ای است)سپ‌باید تلماسه، بخش اول را دیده‌باشید تا به سراغ این یکی بیایید. همچنین تماشای قسمت دوم تلماسه بر روی صفحه موبایل فقط در صورتی توجیه‌داره که شما به هیچ‌تولوزیون‌یامانیتوزی در عالم اکران دسترسی نداشته باشید تلماسه، بخش دوم فیلم لحظه‌ها، می‌توان از این فیلم‌گفت‌طی به‌موسیقی‌هایس زیرآهنگ‌کردگانه‌ی مزیزین موسیقی و جلوه‌های ویژه‌صوتی بسیار بارک‌امی‌شود تا مردم‌اها در تپه کارشان را به‌موسیقی و فرزندان تلماسه. هرکیم می‌کنند به شن‌های بیابان فرویند. قدرت تپه‌های باید در نظر داشت که فانتزی علمی-تخیلی فرانک هربرت، اثری به سراسری مجموعه بنیاد آسینوف با مجموعه‌های ژانر سوسی-کلاک نیست و ابهاماتی در خود متن اصلی وجود دارد که به هر نسخه اقتباسی از آن، راه‌نمایی یافت.

منجی از یک مفهوم دینی به یک مفهوم اجتماعی ساختن انسان است. با نگاهی به شخصیت یل (شخصیت اصلی رمان و فیلم تلماسه)، متوجه می‌شویم که این کاراکتر، همچون یک پل ارتباطی میان تمدنی اقوام و نژادهای جهان تمدن‌ها، پیوسته است. پسری از خاندان ایزدگران که نیاز او با همجان به آرژیکس یعنی هارکونن‌هاست، در انتها نیز با ارتباط عاطفی که با دختری از آرژیکس دارد، به سمت متحد کردن هکشتگان و ضداسلامی انجام شده است. جهان‌بینی فیلم تلماسه مفهوم دین و خدا را دستخوش تغییر کرده است. خدا و مفهوم دین در تناسبات دینی مردم سیاره آرژیکس به حذف خداوند با یک وجود دارند، گرایش‌های باستانی به خصوص مشابهاً با ایزدبانوی آنهیتا دارند. در ساختار اسطوره‌شناسی، آنهیتا نگهبان آب‌هاست. در فیلم نیز آب و مراسم پیرومن آن ازجمله سیزدن بدن مردگان به حوضچه یا ریسنگی مردم سیاره آرژیکس به آب همگی مرتبط با مناسک پرستش این ایزد است. می‌توان گفت دلیل این نوع نمادپردازی از خدا و دین در فیلم تلماسه، جایگزینی و تقلیل امر دینی به امر قدسی است. برای تشخیص امر قدسی از امر دینی باید گفت که امر قدسی یعنی خارج کردن مفاهیم از ساختار الهی و وارد کردن آن به قراردادهای اجتماعی که منشا آنها ندارند. حال اگر گزاره بالا را درکنار تعریف دین از نگاه جامعه‌شناسان غربی همچون فروید، پائولو و لنین نگذاریم که دین را محصول منافع اقتصادی، نیازهای زیستی و تجربه ناشی از محرومیت می‌دانند، متوجه خواهیم شد تلماسه چگونه دین را به خصوص در خاورمیانه به یک امی‌ایرانی، بلکه ما حاصل شرایط اقلیمی به نمایش می‌گذارد. شرایطی که در بیشتر آن قطعا به منجی نیاز دارد تا مردمان سیاره را از شرایط سخت نجات دهد.

منجی از یک مفهوم دینی به یک مفهوم اجتماعی ساختن انسان است. با نگاهی به شخصیت یل (شخصیت اصلی رمان و فیلم تلماسه)، متوجه می‌شویم که این کاراکتر، همچون یک پل ارتباطی میان تمدنی اقوام و نژادهای جهان تمدن‌ها، پیوسته است. پسری از خاندان ایزدگران که نیاز او با همجان به آرژیکس یعنی هارکونن‌هاست، در انتها نیز با ارتباط عاطفی که با دختری از آرژیکس دارد، به سمت متحد کردن هکشتگان و ضداسلامی انجام شده است. جهان‌بینی فیلم تلماسه مفهوم دین و خدا را دستخوش تغییر کرده است. خدا و مفهوم دین در تناسبات دینی مردم سیاره آرژیکس به حذف خداوند با یک وجود دارند، گرایش‌های باستانی به خصوص مشابهاً با ایزدبانوی آنهیتا دارند. در ساختار اسطوره‌شناسی، آنهیتا نگهبان آب‌هاست. در فیلم نیز آب و مراسم پیرومن آن ازجمله سیزدن بدن مردگان به حوضچه یا ریسنگی مردم سیاره آرژیکس به آب همگی مرتبط با مناسک پرستش این ایزد است. می‌توان گفت دلیل این نوع نمادپردازی از خدا و دین در فیلم تلماسه، جایگزینی و تقلیل امر دینی به امر قدسی است. برای تشخیص امر قدسی از امر دینی باید گفت که امر قدسی یعنی خارج کردن مفاهیم از ساختار الهی و وارد کردن آن به قراردادهای اجتماعی که منشا آنها ندارند. حال اگر گزاره بالا را درکنار تعریف دین از نگاه جامعه‌شناسان غربی همچون فروید، پائولو و لنین نگذاریم که دین را محصول منافع اقتصادی، نیازهای زیستی و تجربه ناشی از محرومیت می‌دانند، متوجه خواهیم شد تلماسه چگونه دین را به خصوص در خاورمیانه به یک امی‌ایرانی، بلکه ما حاصل شرایط اقلیمی به نمایش می‌گذارد. شرایطی که در بیشتر آن قطعا به منجی نیاز دارد تا مردمان سیاره را از شرایط سخت نجات دهد.